

گزارش لحظه به لحظه خراسان از کشف بقایای جسد در منزل مسکونی

افشای راز یک جنایت بعد از ۱۷ سال!

جوانی برادرش را کشت و با همسرش ازدواج کرد

کنار همسرش زندگی کرده بود. او گوشه ای از اتاق را نشان داد که به عنوان پذیرایی استفاده می شد چرا که این منزل نقلی فقط دارای یک آشپزخانه و پذیرایی کوچک بود. بعد از آن وقتی قاتل هم به آن نقطه اشاره کرد، عملیات گروه امداد با تجهیزات فنی برای حفر کف پذیرایی آغاز شد.

نیروهای زحمت کش امایی ادعای آتش نشانی با دستگاه های سنگین حفاری سنگ فرش های سیمانی و سرامیک ها را شکافتند و بعد از آن هم با بیل و کلنگ و پتک، ضربات محکم را فرود می آوردند. دقایقی بعد عرق این نیروهای فدا کار بر خاک های سرد فرو می ریخت اما خبری از بقایای جسد نبود. لوله فاضلابی که از کف اتاق عبور کرده بود شبیه عجیبی را به وجود آورد چرا که مشخص بود لوله پلاستیکی فاضلاب عمر چندانی ندارد.

به دستور قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب، تحقیقات به صورت تلفنی از فردی که مالک منزل بود، ادامه یافت اما او گفت: من کف اتاق را فقط سیمان و سرامیک کرده ام! بدین ترتیب بررسی های کار آگاهان توسط سرهنگ کار آگاه «وحید حمیدفر» (افسر پرونده) به مالکان قبلی رسید تا این که یکی از آن ها به تغییر و تحول بیشتر در منزل مسکونی اشاره کرد و گفت: من حدود ۲۰ سانتی متر کف اتاق را با نخاله های ساختمانی بالا آوردم و در منزل را هم جابه جا کردم.

این در حالی بود که نیروهای آتش نشانی همچنان به حفر محل مشخص شده ادامه می دادند. خستگی در چهره آنان نمایان بود اما باز هم پتک ها را با قدرت بر زمین می کوبیدند. با دستور قاضی «عارفی راد»

سید خلیل سجاد پور - خودروهای پلیس آژیر کشان به سمت خیابان محصل شمالی در حرکت بودند. هیاهوی عجیبی درون بی سیم ها به گوش می رسید.

بنابه دستور قاضی ویژه قتل عمد مشهد، گروه تخصصی امداد و نجات از ایستگاه ۸ آتش نشانی هم عازم خیابان مذکور شدند. قاتل اما خیلی خونسرد به صندلی عقب سمند تکیه داده بود. انگار نه انگار که ۱۷ سال قبل برادرش را به طرز وحشتناکی به قتل رسانده و جسد او در منزل مسکونی اش دفن کرده بود. زن جوان اما عذاب وجدان شدیدی داشت. نگرانی در چهره اش موج می زد و حالا بعد از گذشت ۱۷ سال از قتل شوهرش، تصمیم گرفته بود از این جنایت هولناک ر افشا کند. می گفت: فرزند طلاق بودم و هیچ گاه در زندگی رنگ خوشبختی را ندیدم! بعد از آن که در دفن جسد با برادر شوهرم همکاری کردم، ماجرا به گونه دیگری رقم خورد...

هنوز روایت تلخ «مرضیه» ادامه داشت که خودروهای آتش نشانی هم مقابل پلاک ۶۴۰/۱ متوقف شدند.

سرهنگ کار آگاه ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد اداره جنایی آگاهی) فرماندهی عملیات را به عهده داشت. آن ها چند ساعت قبل و در پی اعترافات مرضیه، همسرش را نیز در منطقه خواجه ربیع دستگیر کرده بودند و حالا قرار بود مکان دفن جسد شکافته شود. طولی نکشید که آتشباد دوم مهدی رضایی (معاون عملیات آتش نشانی مشهد) نیز خود را به نشانی مذکور رساند و به هدایت گروه امداد و نجات پرداخت. لحظات به تندی سپری می شد که با اشاره قاضی «محمود عارفی راد» ابتدا همدست قاتل به درون منزلی راه یافت که سال ها در



کشف بقایای جسد در حضور قاضی ویژه قتل عمد

کوتاه از حوادث

• **مهر** / در یک تصادف زنجیره ای در محور اهواز - رامهرمز، ۲۸ خودروی سواری با یکدیگر برخورد کردند. در این حادثه یک نفر مصدوم شد.
• **ایسنا** / سرهنگ دالوند رئیس پلیس راه لرستان گفت: صبح دیروز نقص فنی در سیستم ترمز باعث برخورد دستگاه تریلر به باجه دریافت عوارض در آزاد راه خرم آباد - پل زال و مرگ متصدی دریافت عوارض در این آزاد راه شد.
• **مهر** / نادر پسند مدیر کل ایمنی سازمان بنادر و دریانوردی گفت: در ۹ ماه امسال ۱۳۲ گزارش اضطراب به مراکز جست وجو و نجات دریایی اعلام شد که ۶۰۶ دریانورد ایرانی و خارجی نجات یافتند.
• **ایسنا** / یکی از مقامات محلی افغانستان اعلام کرد که جمعه گذشته در پی واژگونی یک مینی بوس به داخل رودخانه ای در ولایت دایکندی واقع در مرکز این کشور، چهار تن کشته و چهار تن زخمی شدند.
• **ایسنا** / به گفته مقامات محلی، در پی وقوع انفجار در سالن غذاخوری یک ساختمان اداری در جنوب غربی چین ۱۶ تن کشته و ۱۰ نفر مجروح شدند.
• **ایسنا** / مقامات بهداشتی مصر اعلام کردند: دیروز در حادثه رانندگی بر خورد دو دستگاه اتوبوس در شبه جزیره سینای مصر، دست کم ۱۶ نفر کشته و ۱۸ نفر زخمی شدند.
• **ایسنا** / سازمان زمین شناسی آمریکا اعلام کرد که زمین لرزه شدیدی به بزرگی ۶/۶ ریشتر بمباد دیروز (شنبه) استان دورافتاده چینگهای چین واقع در محدوده شمال غرب این کشور الزراند.
• **ایسنا** / بارش برف سنگین در شمال پاکستان موجب گرفتار شدن سرنشینان چندین خودرو و مرگ دست کم ۲۱ تن شد.
• **ایسنا** / پس از بارش شدید باران، سیل جمعه بخش هایی از شمال غرب ایالات متحده را فرا گرفت، این در حالی است که توفان زمستانی نیز منجر به بارش بیش از ۱۵ سانتی متر برف در بخش های شرقی این کشور و تعطیلی مدارس و ادارات شد.

اختصاصی خراسان

در امتداد تاریکی

از دواج اینترنتی با شناسنامه جعلی

وقتی رازهای پنهان همسر فقط طی چندماه بعد از ازدواج فاش شد و ماجرای شناسنامه جعلی اش لورفت تازه فهمیدم که بادست خودم زندگی و آینده ام را به نابودی کشاندم اما هنوز هم وحشت دارم که چگونگی آشنایی ام با او را برای خانواده ام بازگو کنم...

به گزارش خراسان زن ۲۴ ساله درحالی که بیان می کرد به خاطر دروغ گویی های فریبکارانه نامزدم و رازهای وحشتناکی که از من پنهان کرده بود دیگر حاضر نیستم با او زیر یک سقف زندگی کنم، در باره چگونگی ازدواجش به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری احمدآباد مشهد گفت: سال گذشته زمانی که در ترم آخر رشته مهندسی پزشکی تحصیل می کردم، رفت و آمد زیادی به کافی نت ها داشتم چرا که به همراه یکی از دوستانم قرار بود موضوعی تحقیقی را برای پایان ترم به دانشگاه ارائه بدهیم. من هم برای تهیه مطالب تحقیق وقت زیادی را در فضای مجازی و سایت های مختلف می گذراندم. در همین روزها بود که با یکی از سایت های دوست یابی آشنا شدم. افراد مختلفی مشخصات و زندگی نامه کوتاهی از خودشان را بر ای ارتباط با دیگران بارگذاری می کردند. من هم بدون تفکر و تامل وارد این سایت شدم و به جست وجو در باره سر گذشت افراد پرداختم تا این که مشخصات جوانی ۳۰ ساله توهم را به خودش جلب کرد. او خودش را مهندس عمران معرفی کرده بود که پروژه های مهم را در دست ساخت داشت. او همچنین ادعا می کرد پدر و مادرش را در یک حادثه هوایی از دست داده و نزدایی اش زندگی می کند اما در عین حال ادعای آیر ثمنانی مجردی نیز در یکی از مناطق مرفه نشین شهر دارد. خلاصه خودم هم نفهمیدم که چرا فقط به یک نوشته اینترنتی اعتماد کردم و به داریوش دل باختم. ارتباط ما در فضای مجازی و چت کردن های شبانه روزی حدود یک ماه به طول انجامید تا این که به تقاضای داریوش قرار ملاقات حضوری گذاشتیم. وقتی سر قرار او را با قدی بلند و چهره ای سبزه دیدم که مانند یکی از بازیگران فیلم های هندی بود دل باخته اش شده و خیره به چشمانش می نگریستم. او چنان خود را مودب و مظلوم جلوه داد که من دیگر چگونگی آشنایی ام با او را فراموش کردم.

داریوش در دلم جا گرفته بود و به همین دلیل بارها به صورت پنهانی با او قرار ملاقات گذاشتم تا این که تصمیم گرفت به خواستگاری ام بیاید ولی من جرئت نداشتم به خانواده ام بگویم که با او در فضای مجازی آشنا شدم. چون یقین داشتم خانواده ام جواب منفی می دهند به همین دلیل به همراه داریوش نقشه ای کشیدیم و من نزد خانواده ام چنین وانمود کردم که با خواستگارم در طرح تحقیقاتی پایان ترم آشنا شده ام. خلاصه با این ترفند پدر و مادر قانع شدند و خیلی زود مقدمات جشن عقد کنان ما را فراهم کردند. مراسم عقد کنان که پدرم هزینه های آن را پرداخت کرد، در بزرگ ترین تالار شهر و با حضور بیش از ۱۰۰۰ مهمان در حالی بسیار با شکوه برگزار شد که از طرف خانواده داریوش فقط یک مرد جوان حضور داشت که بعدها فهمیدم او از دوستانش بوده که به عنوان دایی به ما معرفی کرده بود. در همان روزهای آغازین دوران نامزدی وقتی در جریان بدهی ها قرض و قسط داریوش قرار گرفتیم که مدعی بود باید حقوق کارگران را بپردازد تا پس از پایان پروژه عمرانی دستمزدش را دریافت کند و من بدون اطلاع خانواده ام همه طلاها و جواهراتم را فروختم و به او ادا دم تا بدهی هایش را بپردازد اما هنوز چهار ماه بیشتر از مراسم عقد کنان مان نگذشته بود که همان دوست داریوش را زنی را برایم فاش کرد که آسمان دور سرم چرخید.

داریوش در یکی از شهرهای خراسان رضوی از دواج و از مدتی قبل همسر و سه فرزندش را رها کرده بود. او نه تنها مهندس عمران نبود بلکه به خاطر بیکاری به خیلی از افراد بدهکاری داشت. من در رنگ سراغ شناسنامه اش رفتم ولی چیز مشکوکی ندیدم، اما جرئت نمی کردم ماجرا را برای نامزدم بازگو کنم تا مبادا فرار کند. دوباره با دقت به شناسنامه نگاه کردم و متوجه شدم روی عکس مهر ثبت احوال وجود ندارد. بالاخره با شکایت من مشخص شد آن شناسنامه جعلی و متعلق به فرد دیگری است. اکنون نیز درحالی موضوع را با خانواده ام مطرح کردم که هنوز جرئت ندارم به آن ها بگویم از طریق فضای مجازی با داریوش آشنا شده ام چون واقعا تحقیر می شوم و به شدت مورد سرزنش قرار می گیرم. دیگر نمی خواهم با او زندگی مشترکم را آغاز کنم و قصد طلاق دارم اما ای کاش...

گزارش خراسان را می توانید در دستور سرگرد علی عسکری (رئیس کلانتری احمدآباد) رسیدگی کارشناسی و تخصصی به این پرونده به مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

سابقم (مقتول) داشتم و آن ها الان که بزرگ شده اند همواره به دنبال یافتن پدر گم شده خود بودند...
گزارش اختصاصی خراسان حاکی است؛ در پی کشف بقایای جسد، قاتل ۳۹ ساله در محل وقوع جنایت به قاضی "محمود عارفی راد" گفت: "محسن" برادر بزرگ ترم بود که خیلی مادر مرا اذیت می کرد. او مرا هم به این خانه آورد که در کنارش باشم و از پشتیبانی کنم چرا که فردی شرو و چاقو کش بود. همه اهالی اورا می شناختند. من هم در این خانه به خیاطی مشغول شدم و چوبی را زیر میز خیاطی گذاشته بودم تا اگر در زد ی به خانه آمد، او را با چوب بزنم اما در یک روز پاییزی (مهر سال ۸۳) به خاطر مسائل مادی باهم مشاجره کردیم و من هم با چوب او را زدم، وقتی روی زمین افتاد با دستام کلوش را افشردم تا خفه شد. پس از آن هم گودالی در خانه اش حفر کردم و پیکر او را درون چاله انداختم. دوزخ بعد هم کف اتاق را با سیمان پوشاندم و باز نر برادرم ازدواج کردم که حالا نیز یک فرزند دارم...

بنابه گزارش اختصاصی خراسان به دنبال اعترافات متهمان و با صدور دستوری ویژه از سوی مقام قضایی، آنان در اختیار کارآگاهان ورزیده اداره جنایی آگاهی خراسان رضوی قرار گرفتند تا بررسی های بیشتری در باره زوایا و ابعاد پنهان این جنایت هولناک صورت گیرد. در حالی که عقر به های ساعت از ۱۴ عبور کرده بود، کارآگاه "منفرد" (افسر آگاهی) حلقه های قانون را بر دستان متهمان گره زد و امدادگران آتش نشانی هم مشغول جمع آوری تجهیزات امدادی شدند و این گونه ماجرای این جنایت وحشتناک بعد از ۱۷ سال فاش شد.

کمی بالاتر از محل مورد اشاره قاتل و به عمق حدود ۲ متر حفر شود چرا که مالک قبلی منزل حدود نیم متر کف اتاق را بالا آورده بود. سرهنگ کار آگاه مهدی سلطانیان (رئیس اداره جنایی آگاهی) نیز برای بررسی اوضاع در محل حضور یافت و این در حالی بود که عقر به های ساعت به ۳۰:۱۳ نزدیک می شد. حالا حدود ۵ ساعت از حضور نیروهای امدادی و کارآگاهان آگاهی در اتاق مذکور می گذشت اما قاضی ویژه قتل عمد اطمینان داشت که اعترافات متهم به واقعیت ماجرا نزدیک است.

به همین دلیل حفاری ها ادامه یافت تا این که ناگهان آسنین پیراهن قرمز رنگ مقتول از زیر خروارها خاک نمایان شد. نیروهای امداد و نجات آتش نشانی متقی دیگر یافتند و به نوبت در همان مسیر مشغول حفر شدند تا این که بالاخره بقایای جسد از دل خاک بیرون زد و مجموعه مقتول درون پوشش پلاستیکی قرار گرفت اما هنوز هم قاتل با خونسردی کنار در منزل ایستاده بود و به صحنه کشف بقایای جسد برادرش می نگریست. به آرامی در کنار او قرار گرفت و پرسیدم: "پشیمان نیستی؟" مکشی کرد و انگار که کلمه عجیبی را می شنود، گفت: "پشیمان؟ چرا باید پشیمان باشم؟ او در یک حادثه ناگهانی کشته شد. تقصیر خودش بود، نباید با من در گیر می شد حالا من چرا باید پشیمان باشم؟...".

امازن جوان آهی کشید و گفت: خیالام راحت شد، در این ۱۷ سال خیلی زجر کشیدم. هر بار که نام "محسن" (مقتول) بر زبان فرزند نام جاری می شد، وحشت سراسر و جودم را فرا می گرفت. من یک دختر و یک پسر از همسر

۷ کشته در شعله های آتش سوخت قاچاق

تمرکز نداشتن از جاده منحرف شد که این حادثه یک مجروح به جا گذاشت.
خوشاب متدیر بحران دانشگاه علوم پزشکی جیرفت به تعداد مصدومان این حادثه تلخ را سه نفر اعلام کرد و گفت: جوانی ۱۷ ساله با ۷۰ درصد سوختگی، مردی ۲۵ ساله و خانم ۲۵ ساله در حال درمان هستند.

زندانیان خانه وحشت آزاد شدند

در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند، اما سعید همچنان مدعی است دختری که در خانه اش به قتل رسیده، توسط همان دو دختری که از آن جان نجات یافته اند، در این شرایط با تشخیص باز پرس جنایی هر دو آزاد شدند که یکی از آن ها تحویل خانواده اش شد و دیگری به بهزیستی انتقال یافت. به گزارش همشهری، از روز پانزدهم آذر و پس از افشای اسرار خانه وحشت پایتخت که در آن دختری به قتل رسیده و دو دختر دیگر پس از ماه ها زندانی بودن نجات یافته اند، تحقیقات در این پرونده ادامه دارد. متهم اصلی این پرونده جوانی ۳۳ ساله به نام سعید است که با معرفی خود به عنوان مأمور پلیس، دختران فراری را فریب می داد و به خانه اش در حوالی خیابان قزوین می کشاند و به همراه خواهرش آن ها را زندانی می کرد. پیدا شدن جسد نایلون پیچ یک دختر در این خانه که حدود چهار ماه از قتل او می گذشت و نجات دو دختر دیگر که یکی از آن ها از سه سال قبل و دیگری از هشت ماه قبل در این خانه زندانی بودند، نشان می داد که پلیس با پرونده ای پیچیده و رموز روبرو به است. به همین دلیل سعید و خواهرش با دستور قاضی محمد وهابی، باز پرس داسرای جنایی تهران

دوباره «محمد» (قاتل) به درون اتاق هدایت شد. او می گفت: گودالی را که حفر کردم حدود ۵۰ سانتی متر از دیوار فاصله داشت اما من لوله فاضلاب را هنگام حفر گودال ندیدم! در همین حال همدست او که حالا همسرش بود، این معمارا پیچیده تر کرد. او گفت: وقتی «محمد» کف اتاق را حفر می کرد کلنگ او به لوله فاضلاب خورد و لوله شکست. آب از لوله سرزیر شده بود که به ناچار آن را ترمیم کرد و بعد جسد را زیر لوله فاضلاب قرار داد اما در هیچ کجای لوله نقطه ترمیمی وجود نداشت و حفاری ها هم به نتیجه نمی رسید.

معاون عملیات آتش نشانی که دیگر نگران خستگی شدید نیروهایش بود، آرام و قرار نداشت، آن ها حدود ۳ ساعت بود که مشغول حفاری بودند. او می گفت: الان اگر حادثه دیگری اعلام شود این عزیزان چگونه باید



قاتل در حال گفت و گوبا خبرنگار خراسان

امداد را سانی را انجام دهند! یک لحظه تصمیم گرفت که موضوع را با قاضی ویژه قتل عمد مطرح کند تا شاید ادامه حفر محل دفن جسد را به بعد از ظهر موکول کنند اما از این پیشنهاد منصرف شد چرا که بر اساس سال ها تجربه عملیاتی خود در آتش نشانی، یقین داشت کشف بقایای جسد در یک پرونده جنایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است به همین دلیل دستور داد تا گروه دیگری از نیروهای آتش نشان به خیابان محصل شمالی آمدند و این گونه با تغییر نیروها، فرصت استراحتی به امدادگران زحمت کش آتش نشانی داد. حالا نیروهای تازه نفس ادامه عملیات را بر عهده داشتند. نظرات کارشناسی برای یافتن محل دقیق دفن جسد وارد مرحله جدیدی شده بود تا این که قرار شد

کشف ۱۲۵۶ کیلو انواع مخدر در چند عملیات پلیس

مقام ارشد انتظامی استان کرمان گفت: در همین زمینه و طی چند عملیات دیگر ماموران پلیس کهنوج در پی خبر دریافتی از پلیس استان البرز از یک کامیون حامل بار خیار سبز، ۶۵ کیلو گرم تریاک کشف و دو متهم را دستگیر کردند. ماموران پلیس رودبار جنوب هم در بازرسی از یک خودروی پژو در محور رودبار - ایرانشهر ۸۲ کیلو گرم تریاک کشف و سه متهم را دستگیر کردند.

سردار ناظری کشف ۱۵۴ کیلو گرم تریاک از یک سواری پارک شده در حیاط یک واحد مسکونی در کرمان که گزارش اولیه آن را پلیس استان البرز به ماموران پلیس مواد مخدر کرمان ارسال کرد و همچنین کشف ۵۱ کیلو گرم تریاک از یک خودروی پراید با دستگیری دو متهم از سوی پلیس کهنوج و کشف ۶۵ کیلو گرم مورفین توسط ماموران یگان تکاوری ۱۱۴ بم محور - دم دهکبری را از عملیات های اطلاعاتی پلیس این مناطق برشمرد و گفت: در مجموع این عملیات ها ۷۹۱ کیلو گرم تریاک، ۴۲۵ کیلو گرم حشیش و ۳۰ کیلو گرم مورفین کشف شد، ۹ قاچاقچی دستگیر شدند و هشت خودروی سبک و سنگین توقیف شد.

تو کلی / فرمانده انتظامی استان کرمان از کشف یک تن و ۲۵۶ کیلو گرم انواع مواد مخدر، دستگیری ۹ قاچاقچی و توقیف هشت دستگاه خودروی سبک و سنگین در عملیات های ۴۸ ساعت گذشته پلیس این استان خبر داد.

به گزارش خراسان، سردار عبدالرضا نظری در تشریح جزئیات این عملیات ها افزود: در ادامه مبارزه بی امان با سوداگران مرگ، ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر و یگان امداد شهرستان را بر از یک خودروی پراید عبوری از محور اصلی این شهرستان ۸۵ کیلو گرم حشیش و ۵۷ کیلو گرم تریاک کشف و یک متهم را دستگیر کردند و نیروهای پلیس بخش را این نیز طی یک عملیات شبانه راننده یک پژو عبوری از محور اصلی این بخش را در انتقال ۲۶۷ کیلو گرم تریاک نا کام گذاشتند.

وی گفت: در ادامه این عملیات ها، نیروهای پلیس مبارزه با مواد مخدر مستقر در ایستگاه بازرسی مرصاد هم در محور بم - کرمان از یک دستگاه پژو ۴۰۵ که به صورت خلاف جهت در حرکت بود، ۳۵۰ کیلو گرم حشیش و ۱۱۲ کیلو گرم تریاک کشف کردند.